

وطن

هر پنجشنبه نشر میشود

۵۰ - افغانی

کابل

۶۰ - افغانی

ولایات

۵۰ نالر

خارج

۲۵ پول

یکشماره

صاحب امتیاز م . غبار

مدیر مسئول م . فرهنگ

اداره جاده میوند

تیراژ ۲۹۵۳

سال اول

شماره چهل و هفتم

۱۸ دلو ۱۳۳۰

قراوت فرمان و نطق غبار

روز جمعه ۱۲ دلو در جامع " میرها " ده افغانان بعد از انای نماز خطیب محترم ابلاغ کرد که فرمان شاهانه قراوت میشود . متعاقبا آقای میرغلام محمد خان وکیل شهرکابل فرمان شاهانه را به حضور ن ذیل قراوت نمود :

رعایای عزیزم اهالی مرکز کابل

ع میرغلام محمد خان غبار که در دوره هفتم شورای ملی به حیث وکیل شما به دارالشورا حاضر و این دوره را به اتفاق وکلای ملت به بیان رسانید ما نند سا بر وکلا با حفظ امانت و صداقت از حقوق موکلین خویش حمایت کرده و از طریق وضع قوانین و مقررات نافعه برای ملت و دولت خدمت نموده است امیدوارم وکلای آینده و دوره های ما بعد شورای ملی به خدمات بهتر و نیکوتری توفیق یابند . به فرمان هذا شمول وکیل شما را از آغاز تا انجام دوره هفتم تقنینیه دارالشورای ملی تصدیق فرمایم .

(محل امضای مبارک)

سپس غبار گفت : - طریقه حفار محترم میدانند - برای بار اول در افغانستان طبق اراده اعلحضرت همایونی در دوره هفتم انتخاب آزاد گردید و صد راهظم صاحب موجوده که میخواهند خط مشی حکومت خود را بر اصول دیموکراسی منطبق سازند انتخابات را مثل ممالك متحدین آزاد و تحریری ساختند و من به ارای آزاد ملت وکیل - انتخاب شدم .

و اما در شورا کارهای مهم مترکم و زیاد بود زیرا در دوره های گذشته کار نشده بود بعلاوه وزارت خاتنها هنوز به وجود یک شورا عادت نکرده بودند - احصایه ما و معلومات کافی نداشتند پس بی توانستند به سوالهای شورا جوابهای صحیح و سریع بدهند . اینست که وقت ما بسیار تلف میشد . معینا شورا کارکرد و از کارهای - عمده او یکی قراوت هفتگانه و مهمترین آن غله خریداری بود که من و رفقای منورم بران با فشار زیاد کردیم . مخالفین بر ما اعتراض کردند که چون ما وکیل شهر هستیم تقییه غله خریداری به ما ارتباط ندارد . ولی ما میدانستیم که امروز بزرگترین فشار بالای مردم (بقیه در صفحه ۲)

صعود نرخها (بقیه)

در شماره های گذشته وطن در زیر این عنوان تا ثیر صعود نرخها را در ۱۳ سال اخیر بر حیات مایورین و کارگران مطالعه کریم . بعد از آن نظر به تراکم متنامین چندی این سلسله معادل گردید . اینکه میخواهیم رشته مذکور را از سر گرفته تاثیر بلند رفتن قیمت ها را بر حیات طبقه دهقان مطالعه نمایم .

اگرچه احصایه صحیح نفوس مشاغل تا کنون در مملکت ما ترتیب نشده (و امید است که نفوس شماری سال آینده این - تقییه را رفع کند) با هدفان به تخمین میتوان گفت که بین هفتاد و هشتاد فیصد نفوس مملکت به دهقانی اشتغال دارد . یعنی اکثریت بزرگ نفوس مملکت یا از رعیدر زراعت زمین خود یا از مدرك دهقانی - اجاره داری وعلکی زمین دیگران - تامین معیشت میکنند . ازینجاست که باید گفت افغانستان یک مملکت زراعتی است و اصلاح اقتصادیات مملکت بدون اصلاح احوال طبقه دهقان معنی ندارد .

مطالعه وضع اقتصادی دهقان و تاثیر نرخها بران کاری سخت و دردم پیچیده است . زیرا که نظریه تفاوت اقلیم و استعداد اقتصادی و طرز معیشت و هم نظریه اختلاف عوارض و مالیات حیات دهقان در نقاط مختلف مملکت از هم تفاوت دارد . همچنان وضع ملاک بزرگ و متوسط و کوچک و بالاخره دهقان بی زمین بسیار اختلاف دارد و لبعلا صعود نرخها بر همه یکسان تاثیر نکرده است . پس این مبحثی است که مجال وسیع - تحقیق عمیق - و تالیف مستقل میخواهد . برای آنکه این سلسله مقالات بکلی ناقص نمائند با شد بطور نمونه یک نفر زمیندار کوچک را در حوالی شهر کابل مثال گرفته تا ثیر مثبت منفی نرخها را بر وضع معیشت او مطالعه میکنیم . دهقانی که ما انتخاب کرده ایم (آقای پ) ده - در بزرگترین متوسط و پنج نفر عایله دارد . اینست صورت هواید و مضارف او در سه ۱۳۱۳ و ۱۳۳۰ :

عایدات	۱۳۱۷	۱۳۳۰
۱ - گندم	۲۸۰ سیر	۴۰۰ سیر
۲ - جو	۴۰ " "	۵۰ " "
۳ - جوار	۵۰ " "	۶۰ " "
۴ - سبزی بزرگ تخمین	۲۵۰ " "	۱۰۰۰ " "
۵ - کچالو تخمین	۳۰۰ " "	۱۲۰۰ " "
۶ - گاه	۵۶۰ سیر	۱۶۸۰ سیر

یعنی ما باید آنگاه که در ۳ سال بیش تخمین ۴۰۰ فیصد ترقی کرده است . اکنون به حساب مضارف می پردازیم :

مضارف دهقانی	۱۳۱۷	۱۳۳۰
۱ - تخم (مختلف)	۲۴۰ افغانی	۱۰۰۸۰ افغانی
۲ - تهیه و ترمیم افزار	۲۵ " "	۲۰۰ " "
۳ - خوراک یک راس گاو	۱۷۵ " "	۷۰۰ " "
۴ - خوراک یک راس خر	۱۲۵ " "	۵۰۰ " "
۵ - چورت خر کار صد سیر گندم و جوار تخمین	۳۷۵ " "	۱۴۰۰ " "
۶ - مالیه فی جریب ۱۴ افغانی	۱۴۰ " "	۱۴۰ " "
۷ - ضرر شالی حواله غله خریداری تخمین	وجود نداشت	۹۰۰ " "
بقیه در صفحه ۲	۱۰۸۰ افغانی	۴۸۶۵ افغانی

قرابت فرمان و ..

فشار اقتصادی و بلندی نرخها هم بسته به نرخ گندم است . پس کوشش بسیار کردیم که نرخ گندم فرو نرود . یعنی غله خریداری از بین برود . و من برای اینکه غله خریداری از بازار آزاد به نرخ روز خرید شود مدارک مهمی از محصول بشم و بنیه نشان دادم . اما دوایر اقتصادی باین پیشنهاد من مخالفت کردند . در حال در دوره آینده باید باز - مدارکی تهیه گردد که ضرر آن به عامه نرسد و حکومت بتواند حواله غله خریداری را معاف نماید . (صداها که نرخها - بلندترند و هیچ چاره نکرده) همچنین محصولات بلدی و صنعتی قیمت جوازنامه های عینی که بشکلی غلط سنجیده شده و باعث فشار بر عامه بود از طرف من به هیئت وکیل شهر کابل تا آخر مدافعه و بالاخره تمام آن تحمیلات و محصولات اضافی از طرف شورا رد گردید . (صدای یک عده که آن محصولات اضافی از مردم گرفته شده) ما برای اصلاح نظام نامه داخلی شورا و قانون انتخابات بسیار سعی کردیم اما متأسفانه کارشکنی مخالفین ما فرصت را تلف کرد . امید است در آینده اینکار انجام داده شود . مگر با وجود این قانون انتخابات فعلی ما هم مزیت های نادر و مهم تران اینست که انتخابات " عمومی و مستقیم " است . هر فرد افغان که بسن رشد رسیده باشد چه غنی و چه فقیر حق دارد که رای بدهد . هیچکس نمیتواند که از طرف دیگری رای بدهد و هیچکس نمیتواند که به تهدید و تطبیع کسی را به رای دادن مجبور کند . پس ملت باید فرد فرد از این حق خود استفاده و در رای دهنی شرکت نماید .

در آخر بیانات خود غبار گفت : - من که وکیل شما در شورا بودم مطابق تعهدی که کرده بودم وظیفه خود را تا لحظه آخر به صداقت ایفا نمودم . و چون شورا جای اکثریت است اگر در بعضی موارد نظریات من و رفتاری منور که در اقلیت بودند رد شده باشد مربوط به مخالفت مخالفین است که در شورا ها چنین میباشد . و اینکه که موافقت با این دهره دشمن فرا رسیده من خود را مجدداً به وکالت شهر کابل کانند مینامم . اگر ملت با این وظیفه سنگین و مقدس را به من اعتماد نماید سعی خواهم کرد که کارهای نا تمام دوره گذشته اکمال شود و وظیفه خود را در برابر موکلین خویش به صداقت اجرا نمایم . بعد از بیانات آقای غبار چند تن از حاضرین خطاب به های ایراد کردند که خلاصه مطلبشان این بود : ما از کارهای شورا خبر داریم و میدانیم کدام وکیل وظیفه خود را ادا کرده و کدام وکیل ادا نکرده است . ما از صداقت شما مطلع هستیم . شما باید دیگر وکیل ما در شورا شوید (تأیید عموم) ما میخواهیم که شما باز در شورا از حق ما مدافعه کنید . و از بی قانونیها جلوگیری نمایید . زیرا هیچ ملت بدون شورای صحیح - و هیچ شورای صحیح بدون وکلای جلی و آگاه و صادق زنده مانده نمیتواند . (صدا های تأیید)

صعود نرخها -

مصارف شخصی .

۱۳۳۰	۱۳۱۷	۱۸۰	۴/۵۰
افغانی ۳۲۴۰	افغانی ۸۱۰	سیر فی سیر	افغانی
" ۱۲۰۰	" ۱۵۰	لباس صد متر فی متر ۱/۵۰	
" ۲۰۰	" ۱۲۰	۳- کتبی و بالابوش	
" ۴۰۰	" ۸۰	۴- بوت ۴ جور	فی جور ۲۰ افغانی
" ۲۴۰	" ۴۸	۵- جای ۱۲ پاو	" پاو ۴
" ۶۰۰	" ۷۲	۶- گر ۱۲ سیر	" سیر ۶
" ۳۶۰	" ۶۰	۷- تیل خاک	
" ۱۹۲	" ۳۰	۸- نمک ۱۲ سیر	فی سیر ۲/۵۰ افغانی
" ۶۰	" ۲۲	۹- صابون ۱۲ کلبه	" کلبه ۱
" ۱۰۰	" ۱۵	۱۰- اجرت سلمانی	
" ۱۰۰	" ۱۵	۱۱- مصرف مسجد	
" ۶۰۰	" ۱۰۰	۱۲- خریداری های متفرق از بازار	

مصارف زراعتی

از حساب فوقی که اگر چه ساحه مشاهده آن محدود است اما بر روی معلومات حقیقی بنا گردیده است بچند نتیجه ذیل -
 واصل میشود :
 اول اینکه حیات یکنفر زمیندار کوچک از مدرک عواید مستقیم زمین ۱۳ سال پیش تخمیناً موازن بوده مثلاً آقای پ که مورد مطالعه ماست در آنوقت سالانه ۲۵۲۰ افغانی میداد و ۲۵۷۷ افغانی مصرف داشت . اما امروز موازنه مذکور بر هم خورده و در حالیکه عایدات او تخمین ۴۰۰ فیصد ترقی کرد از (۲۵۲۰) افغانی

اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده سیزدهم - اول هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت - خو را انتخاب نماید .

۲- هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد .

ماده چهاردهم - ۱- هر کس حق دارد در برابر تحقیق شکنجه و آزار بناء گانی جستجو کند و در - کشورهای دیگر بناء اختیار کند .

۲- در موردی که تحقیق واقعا مبنی به جرم - عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول و -

مقاصد ملل متحد باشد - نمیتوان از این حق استفاده نمود

ارسالی شعبه نشرات و وزارت اقتصاد ملی (بقیه)

واقعا مینمود (ولی متأسفانه جریده وطن این - دلیل ما را کاملاً نادیده انگاشته اند) مجدداً میگویم

و تکرار مینمایم که استفسار این موضوع به همان شکل

اولی آن به وزارت اقتصاد ملی چندان ربطی نداشت زیرا

با وجود اینکه واقعا وزارت اقتصاد ملی وظیفه دارد از

اوضاع و احوال موسسات مراقبت نماید . معضداً این

مراقبت و رسیدگی در مورد یک وزارت تفاوت پیدا - میکند به اینصورت که یک وزارت و یا وزارت اقتصاد ملی -

خود را موظف میداند فقط از امور کلی موسسات مراقبت

نماید نه آنکه تمام جزئیات هر موسسه را زیر مراقبت

بگیرد و برای این کار در برابر هر موسسه یک اداره جدا

گانه تاسیس کند و موسسات را مجبور سازد در مقابل

کوچکترین امری از امور جاریه خود به اداره مربوطه

وزارت مراجعه نماید مثلاً وقتی شرکت برق میخواست

کدام سوچ برق و یا کدام والساکت را در کدام منزل

نصب و یا لاینرا به سق و یا منزلی تمدید کند عوض

اینکه بر رئیس موسسه خود مراجعه کرده و از او امر و

اجازه میگرفت به این شعبه مراجعه و از آنجا امری اجرایی

انرا اخذ مینمود . بقیه در آینده

به ۱۰۰۸۰ افغانی رسیده است مصارف اوتخمین ۵۰۰

فیصد ترقی نموده و از ۲۵۷۷ افغانی به ۱۲۶۶۲

افغانی رسیده است و اکنون سالانه ۳۰۶۲ افغانی کسر

دارد . باید اعتراف کرد که این کسر یک کسر حقیقی

نیست زیرا که دهقان در اکثر نقاط علاوه بر زراعت

مشاغل و عواید فرعی دارد مثلاً در مورد زمیندار مالدار

و باغدار و در مورد دهقان بی زمین کارگری و کرایه کنی

و مثل آن . لیکن چون مشاغل مذکور سابق هم وجود

داشت پس نتیجه کلی چنین بدست می آید که وضع حیات

دهقان تخمین ۲۵ فیصد تنزل کرده و همین مسئله است

که سرعت روز افزون موجب انتقال زمین از زمیندار کوچک

به زمینداران بزرگ گردیده است . بقیه در آینده

تعرض به قوه قضائیه

اطلاع رسیده است که در یکی از روزهای هفته گذشته - آقای عبدالغنی خان حاکم ملکی و نظامی قندهار در مجلس - برگی از مامورین و اهالی آن ولایت نطق ایراد و در ضمن آن بر محاکم عدلی و قضات تعرض و آنها را عموماً استخفاف و استحقار نمودند. فضیلت مآب مولوی عبدالحی خان - بدجسیری قاضی مرامنه قندهار که در مجلس حضور داشتند - در مقام دفاع برآمده سعی نمودند باقی نایب الحکومه حالی کنند که محاکم عدلی از مداخله حکام مطعون است و فقط وزارت عدلیه میتواند در صورت اشتباه به تفتیش آن بپردازد اما آقای نایب الحکومه از استماع دلایل تردید نا پذیر مشار آلیه عصبانی گردیده بر قاضی صاحب تاختند و شخصاً به پربشت به سینه شان نواختند. قاضی صاحب هم از خود - مدافعه نمود تا اینکه آقای نایب الحکومه ایشان را با خشونت زیاد از مجلس خارج ساخت و بعد پهره نظامی بالای خانه ایشان مقرر کرد و بالاخره فردی روزی کور آنها را تحت الحفظ از ولایت قندهار اخراج نمودند.

ما همیشه در صفحات وطن اعلان کرده ایم که شرط اول تأمین عدالت و دیموکراسی " استقلال قوه قضائی " است که قانون اساسی افغانستان این استقلال قضائی را تأیید کرده و از مقام سلطنت و صدارت فرامین و احکام متعدد برای - اجوای آن صدور یافته است. اما معلوم میشود که آقای حکمران قندهار به هیچ یک از این قوانین و احکام واجب الاطاعه پایبندی ندارند. چنانچه سال گذشته خواستند هیئت های انتصابی خود را در سرتاسر قند غار جای نشین محاکم عدلی بسازند. قاضی دهرآود را در محضر عام - تحقیر و تشهر کردند. احکام مجلس مشوره ولایت را که با اکثریت ارا اتخاذ شده بود به رای شخصی خود نقض نمودند و بالاخره چند نفر از مامورین بلند رتبه ملک را مثل مدیر - عمومی مخابرات و مدیر احصائیه و مدیر مکلفیت لت و کوب و توهین نمودند. البته در صورت تصدیق این قضایا باید - گفت چنین طرز اداره بیشتر بر رفتار یکفر جنرال فاتح در سر زمین مفتوح میماند تا بر رفتار اداره یک نفر مامور مطیع - قانون و خادم ملت.

اکنون وظیفه وزارت عدلیه است که به حیث نمایند قوه قضائی ملک از این واقعه اسف انگیز و ناگوار عبرت گرفته برای تطبیق اصول استقلال قضائی و مصونیت محاکم عدلی طبق قانون اساسی و فرامین و احکام منتشره یک قدم جدی و سخت جدی بردارد. همچنان امید داریم که حکومت این قضیه را مورد تفتیش و رسیدگی جدی تری قرار داده شخص متعوض را به محاکمه بسپارد. تا اینکه احدی جرئت - تخطی از احکام قانون و فرامین نداشته باشد.

همه را میتوان برای مدتی فریب داد - عده ای را نیز میتوان برای همیشه گول زد ولی همه را برای همیشه نمیتوان فریفت. ابراهام لنکن

اخبار هفته

مکتوب " موسسه اتحادیه مسلمین " - باز مسئله ساز - دولت شرقی و مسئله تونس - حقوق بشر

کابل - قرار اطلاع " باختر " موسسه اتحادیه مسلمین " در مکتوبی بنام روسای ایالتی پشتونستان حمایت خود را از آزادی خواهی ایشان ابراز نموده است.

بون - مسئله ساز که در سالهای بین دو جنگ روابط فرانسه و آلمان و در نتیجه قضای امنیت بین المللی را مسموم ساخته بود اکنون باز به همان صورت در صحن سیاست طرح گردیده است. فرانسه میخواهد این منطقه آلمانی را در لافیکتوم آزادی داخلی به خاک خود ملحق کند و از منابع سرشار نفت آن در صنایع فولاد خود استفاده نماید. اما آلمانها که تازه از نتایج شکست اخیر کوراست میکنند حاضر نیستند به این حق تثنی تن بدهند چنانچه آلمان و در صدر اعظم آلمان غریب این مطلب را اظهار داشت و حتی قرار یک خبر تصدیق - نا شده گفت که در صورت تجزیه ساز آلمان از شمول در سیستم نظامی اروپای غریب خود داری خواهد کرد. طبیعتاً این مقاومت روز به روز کسب قوت میکند و اقدام فرانسه که میخواهد سیاست استعماری خود را علاوه بر شرق در قلب اروپای غربی یک ملت بالقوه از خود تیز و تند تر تطبیق - ثبات خطر جدیدی در برابر امنیت فراهم میکند.

عرض حال ستم دیده

در سنه ۱۳۲۲ به صدارت عظمی عارض شدیم و احکامی تعیر ۱۳۲۸ / ۲ - جدی به وزارت مالیه صادر گردید که موضوع - در نوبت کار به حضور صه اعظم صاحب تقدیم شود. بعد از آن فقره ما توسط فت بال شد و ما فت بال باز. چند سال به دنبال آن از کابل به فراه و از فراه به چخا نور و از چخا نور به وزارت به آن ریاست در بدیم تا اینکه ریاست وزارت اوزاری را بدقت ملا حظت کرده چنین خلاصه نمود که " اگر این زمین خلاصه است بجم پدر عارضان چرا محسوب شده و اگر - موروثی است و بجم گرفته شده غرض چرا داده میشود ؟ در حالیکه عارضان قبائل شرعیه بنام شخص خود بدست دار بقرار ابعایات اصول اساسی ملک و شریعت باید اصل زمین شان به اوشان مسترد شود "

اما با وصف تصدیق حکومت فراه و احکام رشن تطبیق - قندهار و ننگریه ریاست زرافت و با وصف احکام شرح فریبی و حکم ماده ۱۷ اصولنامه اساسی که هر نو صادره از - مطوع قرار داده در این ۲۰ سال املاک ما بجم تصور - بدو مضطرب و بدون قبائل بیک عده اشخاص ثالث داده شده و ما از تردید و بریشانی و دنبال احکام از این در به آن در نوبت انقدر مضطرب شدیم که بدرجه گدائی رسیده ایم. امنیت که موضوع را در برهه جریده ملی وطن به عرض مقام - ظلم و جبران حق - تلفی معین

و تا نون

کاما

سیاسی

مکتوب " موسسه اتحادیه مسلمین " - باز مسئله ساز - دولت شرقی و مسئله تونس - حقوق بشر

قاهره - پس از آنکه با تبدیل کابینه مصر سیاست ملی - در آن ملک به وقفه و رکود بی موقع دچار گردید انگلیسها از فرصت استفاده نموده رویه شدیدتر و درشت تر اختیار کردند علی مامورین منتضای بی سیاستی ابلاغ کرد که حاضر است مذاکره تجدید معاهده ۱۹۳۶ را از سر بگیرد و بدون شرط وعده دوستی به انگلستان داد. این مطلبی بود که انگلیسها تا چند روز پیش به التماس از کابینه نجاس با شا - تقاضا داشتند. اما چون صدراعظم جدید به آن تسلیم شد سیاه سون لندن به عادت دیرینه مطالبات جدید پیش کرده تجدید مذاکره را مشروط به اعاق قوانین تسلیحات تونس ملکی وضع همکاری با انگلیس و انحلال توای نجات مصر ساختند و به عبارت دیگر طالب تسلیم بلا شرط آن ملک شدند و اگر سیاست ضعیف و مردود فعلی دوام کند بعید نیست که در خانه کار انگلیسها احتیاجات سنگینتر - از سابق برهمه تحمیل نموده استقلال آن ملک را محدودتر سازند. معذالک این نکته ثابت است که سیاست کابینه نجاس سیاست شخصی او و حزب وفد بود بلکه سیاستی بود که تمام ملت مصر تقاضا داشت و بزای موفقیت آن - قداکاری میکرد. لهذا اگر سیاست ضعیف فعلی موفقا - کایب گردد باز هم بر جریان عمومی حوادث که مربوط به عوامل تاریخی و اجتماعی است تا ثیری وارد نخواهد ساخت و به هر حال ملت مصر (مانند دیگر ملل شرقی) خود را از زنجیر اسارت آزاد خواهد کرد.

پاریس - ۵۰ ملک شرقی که افغانستان هم در آن شامل است تصمیم گرفته اند که مسئله عملیات نظامی فرانسه را در تونس با جیس تأییدین ملی آن ملک به مجلس امنیت رویت دهند و برای ترتیب صورت دمو ی یک هیئت سه نفری تعیین کرده اند. حکومت فرانسه تهدید کرد که اگر آنها از مطلب خود منصرف نشوند مذاکرات دولت مذکور با تأییدین تونس برهم خواهد خورد اما دولت شرقی به حکم تجربه میدانند که آن مذاکرات جز روزگدرانی مفهومی ندارد اینست که تصمیم گرفته اند تا مجلس امنیت ملل متحد را در معرض آزارش آورده معلوم سازند که آیا تصمیمات آن - مانند - بکر سیاسی دایمی آن - مخصوص دول بزرگ است یا حقوق - اعضا هم در آن اظهار و استماع شده میتواند.

پاریس - مجلس عمومی ملل متحد به اتفاق آرا به تمام اعضای - خود که در تطبیق مواد " اعلامیه جهانی حقوق بشر " متعهد جدیدیت بکار ببرند.

بشداد - در این نزدیکی صورت قرارداد جدید عراق و انگلیس - رایج به نفت به پارلمان ارائه میشود. احزاب ملی تصمیم گرفته اند که برخلاف این قرارداد اختیاری رای داده از حکومت - بکنند تا نفت عراق را ملی بسازد.

در مطالعه ملی طبع شمس

عرض حال ستم دیده

پوینده ملی وطن

اگر بخواهیم مقابله با ظلم و ستم و وظیفه تانست بس اینک طرح حال فلاکتیار و ظلم ناحقی را که بر من وارد گردیده بشما می فرستم تا در جوینده خود منتشر ساخته - از منافع مربوطه جواب و جاره ایتمه جبر و ستم را مطالبه کنید . اسم من خدای نظراست . پدر - مرحوم محمد نعیم خان در چخا نسور صاحب املاک زیاده بود چون املاک چخا نسور مساحت نشده بود و بست مالیه دهی معین ندانست در ستم ۱۳۱۰ هجری از پدر مرکز به آن قسمت آمده املاک ما و دیگران را مساحت کرد بالینکه قبایله زمین را بدست داشتیم برای رفع دعاوی و نزاع قومی املاک را دوباره به نرخ ناچیز بالای - ما لکن آن فروش نموده به ایشان قبایله جدید داد چنانچه به همین ترتیب (۱۰۴۹) جریب زمین ما هم در عوض مبلغ (۱۳۲۳ / ۸۸) افغانی بنام من و برادریم قبایله داده شد در ستم ۱۳۱۱ حکمران غراه و چخا نسور پدرم را بچشم شرکت در قاجاق تریاک که از هرات آمده بود گرفتار کرد انقدر عذاب کردند که بیچاره رخت بسری - دیگر کشید بعد از فوت او اوراق تحقیق را ترتیب کردند آقای عبداللہ خان رشتن تنظیمه وقت بدون اثبات و اعتراض پدرم امر مجمل داد که املاک محمد نعیم خان به هر شخصی که متعهد قیمت تریاک و قیمت زمین و باقیات آن - شده میتواند فروش و برای پسران آن مرحوم در یک موضع داخل چخا نسور اجازه سکونت داده شود . بموجب این امر مجیب (۱۰۴۹) جریب زمین ما به مبلغ (۴۹۸۰) افغانی بالای یک عده اشخاص فروش گردید و بدون آنکه ما رضی باشیم از ملک خود طرد شدیم . در ستم ۱۳۱۴ ما موضوع را به سردار محمد داود خان رشتن تنظیمه قندهار و غراه عرض کردیم . رشتن صاحب - موصوف امر تحقیقات دادند و بالاخره حکومت اعلی غراه صورت تحقیقات خود را به مکتوب نمبر ۲۱۴۶ / ۹۷۵۶ / ۱۵ - میزان ۱۳۱۴ به ایشان چنین نوشتند :

حکومت اعلی چخا نسور می نویسد که مرزا محمد نعیم خان به جرم فروش مال قاجاق مشتم و هنوز تحقیق مسئله - به انقضاء نرسیده بود مرزای مذکور فوت نموده و تریاک مذکور هم از تصرف شخص محمد نعیم خان گرفته نشد - پسران محمد نعیم خان به جرمیت بدرقانع نبوتند بلکه املاک مذکور را ملک خود میدانند ندانکار دولت نیز تحریری حکومت چخا نسور را تا نیت مینمائیم که الزامات پدرشان به اثبات نرسیده " در برابران از طرف رشتن تنظیمه امر صادر گردید که " در صورتیکه فعل قاجاق به مرزا محمد نعیم خان ثابت نشده باشد املاک او مسترد و به ضحیرا نش داده شود و اگر املاک بفروشیده باشد عوض داده شود " متأسفانه این امر نا ماند .

بقیه در صفحه ۴

مکتوب از ریاست مطبوعات :

در یکی از شماره های وطن ضمنی در تحت عنوان اسامه دندان از قلم آقای رنجور نشر کرده بودیم که متضمن انتقاد بر - موسسه انجمنی دکتوران دندان بود . بعد از آن جواب را که از طرف آقای سبین غفر واصل مد نیز نشر نموده به استفسار در جواب گفتیم چند روز قبل مضمون مطول دیگری هم دران موضوع بقلم آقای محمد یحیی خان کریمزاد به ضمیمه مکتوب ریاست مطبوعات واصل گردید که در انیس هم انتشار یافته بود . لهذا ریاست مطبوعات نوشتیم که اولاً ما با آقای کریمزاد انتقاد نکردیم که جواب او را منتشر سازیم شایانیکه جواب انسانه دندان درون نشر شده و ثانیاً همین مضمون در انیس انتشار یافته است پس با وجود ضیق صفحات وطن از نشر آن معذرت میخواهیم اما اکنون مکتوب نمبر ۶۰۶۴ / ۱۱ / ۱۱ / ۳۰ شعبه نشریات داخلی ریاست موصوف واصل و ما را به توقیف جوینده تهدید میکند چون تحمل این تهدید را نداریم کرمگاً مضمون را که در انیس نشر گردیده مکرراً به خوانندگان تقدیم میکنیم .

آقای رنجور شما ذریعه شماره ۴۱ و ضمن اعتراض نموده بودید که بتاريخ ۲۰ برج قوس به موسسه دندان سازی برای محالجه رفته نمره گرفتیم و در اطراف انتظار نشستیم منتظرین دیگر نیز بودند بعد از یکی ادبی آمد و از روی لباس مرا چهره و بیا کهنه پوشان گفت ما شین خراب است خدا حافظ تکنهای نمره را مصادره نمود . آقای رنجور ببخشید به این اعتراض شما قناعت نکردیم جوابا عرض است شعبات پولیکلیک های مجانی و اجرتی ذکور و اثاث این موسسه همیشه به اوقات رسمی برای خدمت هموطنان مزبور باز میباشد و به همان روزیکه شما به خاطر محالجه دندان خود به موسسه تشریف بودید و از طرف نفر موصوف نمره گرفته داخل اطراف انتظار شدید ساعت نه و نیم پنج روز مذکور در کشور موصوف شعبه پولیکلیک اجرتی به نزد رئیس موسسه رفته از سقوط برق اطلاع نمود رئیس موسسه فوراً موضوع را ذریعه فیلگون ازاد بر شنالوی شرکت معلومات گرفت که در سال یک الی دوم مرتبه برای چند ساعت نسبت به خرابی ما شعبهای جبل السراج و چک وردک بری بر جوشده چه لپنهای برق این موسسه به اکسریز بسته بوده و در هیچ یک ما شعبهای مذکور بری نبود شعبه مربوطه پولیکلیک فوراً نسبت شیاع - وقت به مریضان منتظرین گفت که نسبت نواقص بری ما شعبهای ماکار کرده نمیتواند . بعضی منتظرین به مثل شما نسبت ضرورت - خود از اطراف انتظار خارج و نفر موصوف تکنهای خود را واپس اخذ و اکثر نفری انتظار ورود برق را داشتند همان بود که نسبت ۱۱ بجای روز مذکور بری رسیده و اناز بکار نمودند به همان روز ۴ نفر به شعبه پولیکلیک اجرتی و ۶ نفر به شعبه پولیکلیک مجانی تحت تدای و محالجه قرار داده شد . (بقیه در آینده)

مکتوب از ریاست مطبوعات : توضیح از طرف وزارت معارف :

در شماره ۴۱ تاریخی ۵ جدی جوینده وطن سوالی از طرف آقای ملی حسین خان نایل از وزارت معارف شده بود که آیا در نقاط - در دست و کو هستانی مملکت ما مثل هزارجات - کرها و بدخشان مکتب ابتدائی موجود است یا نه ؟

اگر موجود است به چه تعداد و در کجا ها و غیره .

بناءً بفرض اطلاع خوانندگان جوینده مطالب ذیل توضیح میشود : وزارت معارف در تحمیل معارف و تاسیس مکتب در تمام مناطق افغانستان از روی قوانین معین که اساس آن بر مساوات و برابری گذاشته شده است حرکت میکند و شرایط تاسیس مکتب چه ابتدائی و یا بلند تر در هر جا که موجود شود به تاسیس مکتب بی بردارد منجمله از شرایط مهمه تاسیس مکتب ابتدائی در یک منطقه اینست که اقلاً ۶۰ خانہ در شعاع یک کوروش مکتب واقع باشد تا نظریه حساباتی که بیش وزارت معارف موجود است اقلاً سالانه (۴۰) نفر شاگرد جدید در صف اول مکتب شامل شده بتوانند تا مکتب دوام کند در غیر این صورت مکتب ابتدائی دوام نتوانسته و بعد از یکی دو سال سقوط میکند . مناطق هزارجات و دیگر حصه های کوهستانی که آبادیهای آن با ایشان افتاده عدم مساعدت شرایط اقلیتی راهای دشوار گزار و حایل بودن دره و دریا بین قرا و مکتب بر مشکلات - وزارت معارف افزوده است اما وزارت معارف این مشکلات را مانع نشر معارف در این حصه ندانسته برای حل مشکلات تا حد امکان با وسایل ممکنه و لو غیر مادی و بزمصرف عم بوده توسل جست و مکتب را در آن حصه بسط داده است مثلاً در هزارجات امروز ۷ باب مکتب رسمی موجود و یک ما مکتب معارف اگرچه نظراً به تعداد مکتب از تشکیل عادی و بلند تراست دایراست . تا در توسعه مکتب بکوشد فعلاً ۷ باب مکتب ابتدائی مربوط حکومت کلان هزارجات در مواضع ذیل موجود است :

- ۱ - در مرکز حکومت کلان دایزنگی - ۲ - در قریه تکاب بونگ - ۳ - در مرکز حکومت کلان بهسود - ۴ - در قریه دامن - ۵ - در مرکز حکومت یگاولنگ - ۶ - در قریه سرخ - ۷ - در مرکز حکومت لعل و سرچنگل -
- مکتب مذکور اگرچه از نقطه نظر تشکیل هر کدام برای ... نفر گنجایش دارد مگر به سبب با شای بودن آبادیها در هر مکتب - بیشتر از ۲ الی ۳ دوتیم حد شاگرد شامل نشده اند اما وزارت معارف به این مکتب قناعت نداشته در ضمیمه است از یکطرف به اصلاح مکتب موجود توجه نموده و از طرف دیگر یک تعداد مکتب دهاتی را در حصه های ... ایضا تاسیس - مکتب ۶ صنفی موجود است تا سیم نماید در سال جاری به ۱۰ تار به اخیر ... نق نشد و در

نظراست سال آینده یک تعداد مکتب دهاتی در مناطق